

بررسی و تبیین هزینه‌های آموزش و پرورش

زهرا لبادی^۱، ابوالفضل صفیعی پور^۲

^۱ عضو هیات علمی، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری گروه مدیریت آموزشی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران

چکیده

اصولاً انجام دادن و به کمال رساندن هر فعلی مستلزم هزینه خواهد بود و این امری کاملاً بدیهی است که نسبت به ابعاد کلی موضوع میزان هزینه‌کرد و همچنین تنوع مولفه‌ها و روش تخصیص منابع و به طور کلی سرمایه‌گذاری برای انجام مطلوب امر مورد نظر، متغیر خواهد بود. این موضوع را می‌توان نسبت به نهاد بزرگی همچون نظام آموزش در کشور تعمیم داد. نظام آموزشی کشور (آموزش و پرورش و آموزش عالی) هر دو با توجه به پتانسیل و ماهیت خاص خود دارای ابعاد متنوع در خصوص نحوه تأمین اعتبار و الگوهای هزینه‌ای می‌باشند و به طور نسبی نظام‌های آموزشی متأثر فضای سیاسی کشور خود می‌توانند منابع هزینه‌ای و روش‌های متعدد مصرف نمودن این منابع را داشته باشند. به همین دلیل موضوع هزینه‌های آموزش و پرورش یکی از حیاتی‌ترین مسائلی است که در حیطه آموزشی هر جامعه می‌توان به آن اشاره کرد، زیرا رشد اجتماعی، سرمایه‌گذاری اقتصادی برای تربیت نیروهای کار در نسل آینده و ... در گرو چگونگی هزینه‌کرد منابع امروز در نظام آموزش خواهد بود. به هر میزان که نگاه بازتر سیاستگذاری جهت تأمین و الگوی هزینه‌ای در آموزش و پرورش کشورها، بازتر باشد می‌توان انتظار داشت که خروجی حاصل از این سرمایه‌گذاری دارای توانایی و قابلیت‌های بیشتری باشد. از این رو در این مقاله اهتمام بر آن است تا شاخص‌ها و مولفه‌های هزینه‌کرد آموزشی را در نظام آموزش و پرورش ایران مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم به رویکرد منطقی‌تر در این خصوص دست یابیم.

واژه‌های کلیدی: هزینه، اقتصاد، آموزش، سرمایه‌گذاری، هزینه آموزش و پرورش.

مقدمه

هزینه‌های آموزش و پرورش از جمله عوامل اساسی توسعه اقتصادی و از سویی رقیب انواع هزینه‌های خدمات اجتماعی است. در واقع بخش عمده‌ای از ستون هزینه‌های کشور را تشکیل می‌دهد. پس از جنگ جهانی دوم در بیشتر کشورهای جهان افزایش آن میزان از درآمد ملی که صرف آموزش و پرورش می‌شود نسبت به مخارج دیگر بالا نرفته است. (هاشمی، ۱۳۹۲: ۲۰) در اکثر کشورهای آسیایی و آفریقایی عقیده بر این است که همه هزینه‌های آموزش و پرورش چون حق مردم است بر عهده دولت می‌باشد. ولی در اروپا و آمریکا تعداد زیادی از مدارس در دست بخش خصوصی است که خود کمک بزرگی به کاهش هزینه‌های دولتی آموزش و پرورش به شمار می‌رود. (رضایی، ۱۳۹۴: ۸۷) از این رو «آرتور لوئیس^۱» هزینه‌های آموزش و پرورش را به دو دسته تقسیم کرده است:

- هزینه برای سرمایه گذاری.
- هزینه تربیت به عنوان کالای مصرفی.

این هزینه‌ها نتیجه اش رضایت فرد است و یا جنبه سرمایه گذاری دارد که در آینده افزایش تولید را به دنبال خواهد داشت. تجارب بین المللی در سال‌های اخیر به اثبات رسانده که بهبود اوضاع اقتصادی در کشورهای نظیر ژاپن، آلمان، دانمارک، سوئد و کشورهای آسیایی چون: کره جنوبی و تایوان فقط به علت اصلاح آموزش و پرورش و سرمایه گذاری در آن امکان پذیر شده است. (آیچر^۲، ۱۳۹۰: ۵۹)

بیان مسئله

آموزش و پرورش اساسی ترین عامل در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی است و رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز به نوبه‌ی خود امکان آموزش و پرورش بیشتر را فراهم می‌آورد، رشد و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی یکی از اهداف مهم تمام کشورها به‌ویژه در پنجاه سال اخیر بوده است. این مفهوم در کشورهای پیشرفته صنعتی به معنای کاهش بیکاری و افزایش واقعی رفاه اجتماعی مردم بکار می‌رود و در کشورهای در حال توسعه، از یک سو به معنای کاهش و یا محو فقر و محرومیت و از سوی دیگر به معنای کوشش برای بالا بردن تولید ناخالص ملی و ارتقاء استانداردهای زندگی مردم به سطحی است که کشورهای توسعه یافته از آن بهره‌مند هستند، اقتصاددانان معتقدند که وصول به رشد اقتصادی مستلزم بالابردن سرمایه گذاری‌های لازم، پیشرفت تکنولوژیک، تغییر در مقدار و کیفیت نیروی کار و سایر عوامل است. (انتظاری، محجوب، ۱۳۹۲: ۲۴)

در بسیاری از منابع علمی، دو مفهوم «رشد^۳» و «توسعه^۴» معادل یکدیگر بکار رفته و به صورت بالا رفتن سرانه‌ی تولید ناخالص ملی در نظر گرفته شده اند. لیکن باید تفاوتی را در معنای رشد و توسعه قائل شد. رشد را چه بسا بتوان بدون توجه به تغییرات مهم در نهاده‌های اقتصادی و یا بدون هرگونه تغییری در مؤسسه‌های موجود در نظر گرفت اما توسعه، مستلزم یک جریان نوسازی و نوآوری است که در آن از تکنولوژی جدید استفاده می‌شود و ترکیب جدیدی از نهادها و ستاده‌های اقتصادی عرضه می‌شود. به بیان دیگر، توسعه همراه با تغییرات مهم اجتماعی و زیربنایی است که در جریان انتقال از وضعیتی به وضعیت دیگر در بخش‌هایی که بطور جانبی با حوزه مشخص علم اقتصاد مربوطند صورت می‌گیرد. معمولاً وقتی از توسعه صحبت می‌شود جنبه‌های اقتصادی مسأله و بزرگ شدن شهرها و تغییر و پیچیدگی مشاغل و شکل‌گیری اشکال جدید عملکردهای دولت به ذهن می‌آید. (انصاری، ۱۳۸۹: ۱۶)

¹ Arthur Lewis

² Aicheur

³ Growth

⁴ Development

همراه با توسعه یافتن جامعه، عملکرد مؤسسه‌های آموزشی (اعم از مؤسسات رسمی و غیررسمی) نیز تغییر می‌کند و مؤسسه‌های آموزشی به صورت نهادهایی که به انتخاب و تغییر فکر و تحول شخصیت و آموختن مهارت‌های پیچیده شغلی و تجهیز افراد برای ایفای نقش‌های گوناگون اجتماعی و اقتصادی افراد می‌پردازند عمل می‌کنند؛ و چنین است که تعلیم و تربیت در عین حال که متأثر از زندگی و توسعه‌ی اجتماعی است خود نیز بصورت متغیری مستقل در تحولات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در می‌آید و حتی می‌توان گفت که به عنوان یک مؤسسه نیمه خودکار مختار که می‌تواند با عث تسهیل (یا حتی کندی) جریان‌های توسعه بشود، عمل می‌کند. (جیمنز^۱، ۱۳۹۱: ۴۱) به همین جهت مسئله اختصاصی تأثیر نهاده‌ها بر ستاده‌های اقتصادی و مجموع هزینه‌های آموزشی را باید بر زمینه وسیع‌تر تاریخی و اجتماعی که رابطه بین آموزش و توسعه را در معنای وسیع آن مطالعه کند مورد نظر قرار داد. همچنین می‌توان بیان کرد که مقوله هزینه‌های آموزش در واقع نگاه کلی عمق برنامه‌ریزی‌های نظام آموزش را انعکاس خواهد داد؛ زیرا به مدد ساز و کارهای هزینه‌ای در نظام آموزش، میزان کارها و برنامه‌های اجرایی این نهاد مشخص می‌گردد. (انتظاری، محجوب، ۱۳۹۲: ۲۹)

مروری بر ادبیات تحقیق

هزینه به مبالغی گفته می‌شود که برای کسب در آمد به خرج گرفته می‌شود. اگر موسسه‌ای فعالیتش در جهت ارائه خدمات به موسسات دیگر باشد، خرج‌هایی در راه ارائه خدمات متحمل می‌شود که به آن هزینه گفته می‌شود. (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۵، فصل هفتم: ۳۱۴) هزینه‌های آموزشی به دو بخش کلی «هزینه‌های شخصی آموزشی» و «هزینه‌های عمومی آموزشی» تقسیم می‌گردد.

۱- هزینه‌های شخصی آموزشی

الف) هزینه‌های مستقیم: تصمیم‌گیری‌های آموزشی افراد دربرگیرنده هزینه می‌باشد که برای بخشی از آن مستقیماً منابع مالی اختصاص داده می‌شود. (مخارج آموزشی) مانند شهریه‌هایی که افراد یا خانوارها پرداخت می‌نمایند، منابعی که بابت خرید کتاب و لوازم التحریر خرج می‌شود.

ب) هزینه‌های غیرمستقیم: برای بخشی دیگر از تصمیم‌گیری‌ها مستقیماً پولی پرداخت نمی‌شود اما تصمیم آموزشی سبب محروم شدن از منابع دیگر می‌شود که در صورت نبودن آموزش می‌توانستند از آن بهره‌مند شوند (هزینه‌های فرصت)؛ مانند وقتی افراد تصمیم می‌گیرند از طریق آموزش بر روی خود سرمایه‌گذاری نمایند به طور همزمان نمی‌توانند به اشتغال نیز بپردازند. در نتیجه اتخاذ تصمیم آموزش، درآمدهای شغل مورد نظر را از دست می‌دهند. (فروهر، ۱۳۹۰: ۳۱-۳۲)

۲- هزینه‌های عمومی آموزشی

تولید و توسعه آموزش علاوه بر افراد تحت تعلیم، برای کل جامعه نیز در بردارنده هزینه است. (آیچر، ۱۳۹۰: ۴۸) لذا هزینه‌های عمومی آموزش را می‌توان به دو قسمت تقسیم بندی نمود که مخارج جاری و مخارج عمرانی می‌باشد.

• الف) مخارج جاری: مخارج جاری ناشی از اموری است که برای تولید خدمات آموزشی به طور روزمره و جاری انجام می‌شود. دستمزد پرداختی پرسنل، آب‌بها و هزینه برق و تلفن، اجاره بها و... ویژگی اصلی این مخارج روزمره و جاری بودن آنهاست.

• ب) مخارج عمرانی: این مخارج در واقع بخشی از مخارج عمومی آموزش را تشکیل می‌دهند و ماهیت مخارج جاری را ندارند؛ اما در ابتدا لازم است هزینه هنگفتی برای ایجاد امکانات آموزشی انجام شود. با این حال برای بهره‌گیری مستمر از

^۱ Jamense

تسهیلات و خدمات حاصل از این نوع مخارج نیازی به سرمایه گذاری مجدد نیست؛ به عبارت دیگر ویژگی اصلی این نوع مخارج این است که پس از انجام هزینه برای ایجاد امکانات به دفعات می‌توان از خدمات آن بهره‌مند شد. ایجاد فضای آموزشی و کمک آموزشی، مبلمان و اثاثیه آموزشی، تجهیزات آموزشی و مواردی از این قبیل در این دسته تقسیم‌بندی می‌شوند. در زمینه مخارج عمرانی می‌توان به مواردی چون ایجاد فضای آموزشی لوازم، تجهیزات آموزشی، وضع قوانین و امنیت مراکز اشاره کرد. (نورنائینی، ۱۳۹۳: ۸)

پیشینه تحقیق

در مقطع کنونی که آموزش و پرورش و آموزش عالی با زندگی افراد و خانواده‌ها آمیخته شده است، موضوع چگونگی برخورداری افراد از آموزش و در پی آن منابع مالی مورد نیاز جهت صرف و هزینه کردن در راستای اهداف مورد بسیار حائز اهمیت است. از این رو شایسته است تا در حیطه مجموعه هزینه‌های آموزش و پرورش کنکاش عمیقی صورت گیرد تا ماهیت و کلیت چگونگی و ابعاد هزینه‌ای این نظام ارزنده، مشخص گردد. در همین ارتباط می‌توان نتایج و یافته‌های سایر پژوهشگران را در خصوص لزوم و جامعیت مقوله هزینه‌های نظام آموزش مرور کرد.

انصاری (۱۳۸۹) اذعان دارد که از جمله راهکارهای اساسی برای لحاظ کردن متغیرها و عوامل مختلف، توجه به سازوکارهای متنوع جهت مولفه‌های هزینه کرد مورد نیاز در آموزش است. از این رو شناخت پارامترهای هزینه‌ای آموزش و پرورش، در واقع رویکرد سیاسی برای تصمیم‌گیری درباره این نهاد در هر جامعه را مشخص می‌کند. (انصاری، ۱۳۸۹: ۵۶)

قادری (۱۳۹۳) عنوان می‌کند که پایش هزینه‌های آموزش و پرورش و مبادی هزینه‌کردن در این حوزه می‌تواند به اصلاح سازمان هزینه و یا بهینه سازی مصارف منجر گردد. (قادری، ۱۳۹۳: ۲۱). همچنین جمشیدی عقیده دارد که یکی از عوامل ناهنجاری هزینه‌های آموزش و پرورش در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه، رایگان بودن بخش اعظم خدمات آموزشی از سوی دولت برای مردم است (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۳۴) «فیلیپ کومبز^۱» در کتاب بحران جهانی آموزش و پرورش می‌گوید: «مساله هزینه آموزش و پرورش مشکل تمام کشورهای جهان است و تنها منحصر به کشورهای کمتر توسعه یافته نیست.» (کومبز، ۱۳۹۴: ۵۹)

علوی نیا (۱۳۹۵) با توجه به ماهیت هزینه‌های آموزش و پرورش، لذا عقیده دارد که علاوه بر آثار مستقیم پولی و هزینه کرد آموزش و پرورش، سرمایه گذاری بر روی انسانها منجر به ظهور برخی ارزش‌های اجتماعی می‌شود که آنها نیز موجد ارزشهای اقتصادی و فردی - اجتماعی، هر چند به صورت غیر مستقیم، خواهند بود. (علوی نیا، ۱۳۹۵: ۱۴) نیز پژوهشگران عقیده دارند که تحلیل هزینه فایده، به عنوان نوعی سرمایه گذاری برای افراد می‌باشد یعنی در هر یک از سطوح آموزش و پرورش به سرمایه گذاری بر روی انسان با این هدف که بازدهها به رشد و توسعه کل اقتصاد کمک خواهد کرد، می‌نگرد؛ و یک چارچوب معمولی برای بررسی هزینه‌های آموزش و پرورش در ارتباط با درآمدهای نسبی نیروی انسانی تحصیل کرده فراهم می‌سازد و می‌توان گفت کاربردهای زیادی در تصمیم‌گیری‌های آموزشی نیز دارد، این رویکرد به شکلی رابطه بین آموزش و پرورش و میزان درآمد را بیان می‌دارد. (نیکول^۲، تیل^۳، ۲۰۱۶: ۲۹)

عرضه و تقاضای آموزش

اقتصاد آموزش، رشته علمی جدیدی است که بیش از دو دهه از عمر آن نمی‌گذرد. این رشته که زیرشاخه‌ای از علم اقتصاد است، به ویژه برای کشورهای در حال توسعه که آموزش به عنوان یکی از عناصر توسعه به حساب می‌آید، توصیه‌های مهمی را

^۱ Coombs, Philip

^۲ Todea, Nicolae

^۳ Tilea, Donia

در بر دارد. همانطور که موضوع مرکزی علم اقتصاد مدیریت، بیشینه کردن تولید با استفاده از منابع کمیاب و محدود می‌باشد، اقتصاد آموزش نیز سعی دارد تا با استفاده از بهینه از منابع آموزشی، به حداکثر تولید نائل آید. (وزیریان، ۱۳۸۲: ۲۱۹)

بدین ترتیب، اقتصاد آموزش، عوامل تعیین کننده عرضه و تقاضای آموزشی و تفاوت بین فایده‌ها و هزینه‌های شخصی و اجتماعی سرمایه گذاری در آموزش را بررسی می‌کند. هزینه‌های آموزش باید به نحوی تخصیص یابند که بالاترین بازده اجتماعی را به دست آورده و همچنین، با توجه به محدودیت منابع برای آموزش یا بهره گیری از راههای مختلف و ابداعات آموزشی و روشهای جدید، زمینه افزایش کارایی را فراهم نمود. (لوین^۱، ۱۳۹۰: ۶۸)

بررسی تقاضای آموزشی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، نشان می‌دهد که ظاهراً انگیزه تقاضای آموزشی، اقتصادی است. فرد، انتظار دارد، با بالا رفتن سطح آموزش، درآمدش نیز افزایش یابد. اکثر مردم در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، آموزش را معمولاً برای فواید غیراقتصادی تقاضا نمی‌کنند، بلکه، آموزش وسیله تأمین اشتغال در بخش‌های اقتصادی به ویژه بخشهای جدید را فراهم می‌کند. میزان تقاضای آموزش، در سطحی که فرد را قادر به استفاده از امکانات شغلی جدید نماید، به وسیله ترکیبی از چهار متغیر زیر تعیین می‌شود:

۱. اختلاف مزد و یا درآمد
 ۲. احتمال موفقیت در پیدا کردن شغل در بخش جدید
 ۳. هزینه‌های مستقیم شخصی
 ۴. هزینه‌های مستقیم یا هزینه فرصت‌های از دست رفته آموزش، به این ترتیب که هر چه هزینه فرصت از دست رفته بیشتر باشد، تقاضا برای آموزش کمتر خواهد بود. (جانستون^۲، ۲۰۱۴: ۱۷)
- البته، عوامل مؤثر غیراقتصادی نیز وجوددارند که بر تقاضای آموزشی مؤثرند. این عوامل، عبارتند از: سنن فرهنگی، موقعیت اجتماعی، آموزش والدین و بعد خانوار.

هزینه‌های صریح آموزش

هزینه‌های صریح آموزشی در واقع هزینه منابعی است که موسسات آموزشی برای ارائه خدمات خود مجبورند فراهم نمایند. هزینه‌های صریح آموزش امروزه بسیار مهم قلمداد می‌شوند، زیرا:

۱. هر قدر برآورد هزینه‌ها با دقت بیشتری صورت گیرد می‌توان پیشاپیش بودجه و منابع کافی برای اجرای صحیح برنامه‌های آموزشی تدارک نمود.
 ۲. هر اندازه هزینه‌های تولید آموزش دقیقتر پیش‌بینی شوند به نحو بهتری می‌توان به تقاضاهای آموزشی پاسخ مثبت داد. به این معنی که ارتباط تنگاتنگی بین هزینه‌ها و کیفیت آموزشی وجود دارد. بدیهی است که پیش بینی نادرست از هزینه‌ها از کیفیت ارائه خدمات آموزشی خواهد کاست.
- از آنجا که نرخ بازده سرمایه گذاری در آموزش براساس نسبت جریان درآمدها به جریان هزینه‌ها می‌باشد. هر قدر هزینه‌ها دقیق‌تر محاسبه شوند تخمین نرخ بازده صحیح‌تر خواهد بود. (انتظاری، محجوب، ۱۳۹۲: ۴۴)

همچنین یکی از زیر مجموعه‌های موجود در هزینه‌های صریح آموزشی، هزینه صریح تولید آموزشی است.

¹ Lewin

² Johnstone

• هزینه‌های صریح تولید آموزش

هزینه‌های صریح با توجه به مقاطع مختلف، اشکال متفاوتی به خود می‌گیرند. به عنوان مثال در بلند مدت عوامل تولید متغیر فرض می‌شوند. به زبان دیگر بلند مدت مرحله‌ای از زمان می‌باشد که به اندازه کافی طولانی است تا اجازه دهد موسسات موجود حجم ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز برای تولید را توسعه و یا کاهش دهند. برعکس در کوتاه مدت عوامل تولید به طور نسبی ثابت می‌باشند و تغییر در مقادیر عوامل ثابت از نظر اقتصادی امکان‌پذیر نیست. (علوی‌نیا، ۱۳۹۵: ۳۲) به این معنی که در کوتاه مدت موسسات موجود قادر به تغییر در حجم ماشین‌آلات و تجهیزات تولید نمی‌باشد. از طرفی در حالی که در بلند مدت موسسات جدید می‌توانند به بازار وارد و یا از آن خارج شوند در کوتاه مدت موسسات جدید نمی‌توانند وارد بازار شوند. مسئله کوتاه مدت و بلند مدت، مسئله مدت زمان و تعداد ماه و سال نمی‌باشد. بلکه بعد زمان در این مفهوم عبارت است از آن مدت زمانی که از نظر اجرائی بتوان تعدیل‌های لازم را در حجم سرمایه‌های ثابت به منظور توسعه یا کاهش ابعاد تولید به وجود آورد. (حسن‌پور، ۱۳۹۴: ۷۴) به هر حال هزینه‌های صریح در چارچوب زمان به دو گروه مشخص هزینه‌های ثابت و هزینه‌های متغیر تقسیم می‌شوند.

در کوتاه مدت برخی هزینه‌های سرمایه‌ای ثابت بوده و تغییر در آنها امکان‌پذیر نمی‌باشد. در صورتی که بعضی از هزینه‌ها نظیر نیروی کار در کوتاه مدت متغیرند و برحسب نیاز می‌توان بر تعداد آنها افزود یا از تعداد آنها کاست. بلند مدت مرحله‌ای از زمان است که هر نوع تعدیل در تاسیسات سرمایه‌ای ممکن و میسر است. (حسن‌پور، ۱۳۹۴: ۸۱) در این دوره همه عوامل متغیرند و هیچ عامل ثابتی وجود ندارد. عرضه هر کالا و یا خدمتی عموماً به هزینه‌های تولید آن بستگی دارد. چه در بلند مدت و چه در کوتاه مدت منحنی عرضه هر موسسه‌ای از منحنی تولید آن پیروی می‌کند که از طریق بررسی توابع هزینه در کوتاه مدت و بلند مدت قابل بررسی می‌باشد. (جانستون، ۲۰۱۴: ۲۶) لذا می‌توان گفت که در براساس گفته‌های فوق‌الذکر، هزینه‌های صریح تولید آموزشی به دو قسمت هزینه منابع سرمایه‌ای مجزا و هزینه منابع نیروی انسانی به صورت مجزا تقسیم می‌شوند.

- الف) هزینه منابع سرمایه‌ای:

این هزینه‌ها شامل خرید یا اجاره زمین، ساختمان، ماشین‌آلات، تاسیسات، تجهیزات و کلیه مواد مصرف شدنی است که بدون تدارک آنها امکان ارائه خدمات آموزشی با مشکل مواجه می‌باشد. به عنوان مثال یکی از ضروری‌ترین هزینه‌های سرمایه‌ای که موجودیت هر موسسه آموزشی به آن وابسته است، محل یا مکان مناسبی است که از فضای کافی جهت ارائه خدمات آموزشی برخوردار باشد. پس از فضای آموزشی، وسایل و تجهیزاتی از قبیل میز و نیمکت، تخته سیاه یا وایت‌برد و کلیه لوازم سمعی و بصری مورد نیاز برای آموزش را می‌توان برشمرد. هزینه‌های استهلاک کالاهای سرمایه‌ای از قبیل ساختمان‌ها، تجهیزات و تاسیسات و هزینه تعمیر و نگهداری وسایل و لوازم آموزشی خود از دیگر هزینه‌های موسسات آموزشی محسوب می‌شوند.

- ب) هزینه منابع سرمایه انسانی:

اداره هر موسسه آموزشی علاوه بر کادر مدیریت، کادر اداری و دفتری و افراد مورد نیاز برای نگهداری و نظافت، نیازمند کادر آموزشی و یا اصطلاحاً «هیأت علمی» در تخصص‌های گوناگون می‌باشد. استخدام دائم، پاره‌وقت و یا استفاده از معلمان و دبیران و استادان حق‌التدریسی، هزینه‌های اساسی منابع نیروی انسانی یک موسسه آموزشی را تشکیل می‌دهد. به این ترتیب هزینه حقوق و دستمزد کادر آموزشی و اداری یکی از و مخارج عمده موسسات آموزشی به شمار می‌آید. بخشی از هزینه‌های آموزشی را دانش آموز، دانشجو یا خانواده ایشان تقبل می‌نماید. (محمدنژاد، روشن، ۱۳۸۷: ۵۶-۵۷)

هزینه‌های ضمنی آموزش

هزینه‌های ضمنی تولید خدمات آموزشی چه برای فرد و چه برای جامعه بیش از هزینه‌های صریح آن می‌تواند باشد. (نورنائینی، ۱۳۹۳: ۱۱) هزینه‌های ضمنی آموزش را می‌توان به دو بخش هزینه‌های ضمنی تولید و هزینه‌های ضمنی خدمات آموزشی تقسیم کرد.

الف) هزینه‌های ضمنی تولید: هزینه‌های فرصت‌های از دست رفته یا هزینه درآمدهای صرف نظر شده را اقتصاددانان هزینه واقعی تولید می‌نامند. نظر به اهمیت این نوع هزینه‌ها برای فرد و جامعه به تحلیلی از هزینه‌های فرصت می‌پردازیم. جامعه‌ای را تصور کنید که در آن منابع و سطح تکنولوژی محدود و ثابت باشد. در این جامعه به دلیل محدودیت منابع، قدرت تولید جامعه با محدودیت مواجه است و بنابراین نمی‌توان محصولات متعدد و متنوعی تولید نمود. (نادری، ۱۳۸۹: ۶۱)

ب) هزینه ضمنی خدمات آموزشی: ارزش اقتصادی یک واحد از خدمات آموزشی برابر با ارزش آن مقدار از سایر کالاها و خدماتی است که به خاطر تولید یک واحد از خدمات آموزشی فدا شده و یا از تولید آن صرف نظر گردیده است. (نادری، ۱۳۸۹: ۶۵)

ج) هزینه فرصت‌های از دست‌رفته اوقات (عدم النفع): هزینه فرصت‌های از دست رفتن اوقات دانشجویان یا هزینه درآمدهای صرف نظر شده جوانانی که به تحصیل اشتغال دارند، بخش مهمی از هزینه‌های آموزش را به خود اختصاص می‌دهد. در واقع دانش‌آموزان دبیرستانی و دانشجویان دانشگاه، چنانچه به تحصیل اشتغال نمی‌داشتند می‌توانستند مشاغلی برحسب سن و تجربه خود پیدا کرده و درآمدی کسب نمایند. به این ترتیب رفتن به دبیرستان و دانشگاه دارای هزینه فرصت‌های ازدست رفته است و این هزینه برابر درآمدی است که به خاطر کسب تحصیل جوانان از آن صرف نظر می‌کنند. (نادری، ۱۳۸۹: ۷۴)

اهمیت محاسبه هزینه‌های فرصتی در تولید خدمات آموزشی

هزینه فرصت‌های از دست رفته اوقات دانشجویان یا هزینه درآمدهای صرف‌نظر شده جوانانی که به تحصیل اشتغال دارند بخش مهمی از هزینه‌های آموزشی را به خود اختصاص می‌دهد. از این رو اهمیت محاسبه این گونه هزینه‌ها بسیار دارای اهمیت است. نحوه محاسبه درآمدهای از دست رفته یا صرف نظر شده دانشجویان به این صورت است که با توجه به میزان تحصیلات، سن و تجربه آنها بررسی می‌شود که اگر آنان به جای تحصیل به کاری اشتغال داشتند، از چه میزان درآمدی برخوردار می‌شدند؟ مقدار درآمدهای صرف نظر شده در واقع هزینه فرصت‌های ازدست رفته دانشجویان است و باید به هر نحو بخشی از هزینه‌های آموزش و پرورش قلمداد شود. (اولوب^۱، ۲۰۱۶: ۱۶)

در مورد محاسبه هزینه درآمدهای صرف نظر شده ذکر چند نکته حائز اهمیت است.

۱. برای اندازه‌گیری هزینه درآمدهای صرف نظر شده دانشجویان بایستی میزان درآمد ناشی از کار آنان در صورتی که به تحصیل اشتغال نمی‌داشتند را با آخرین مدرک تحصیلی که کسب کرده‌اند محاسبه نمود. به عنوان مثال هزینه درآمدهای صرف نظر شده برای دانشجویانی که هم اکنون در سال اول دانشگاه به تحصیل اشتغال دارند را بایستی براساس مدرک دیپلم دبیرستان مورد سنجش قرار داد. (انتظاری، محجوب، ۱۳۹۲: ۵۱)

۲. دانشجویانی که در حال حاضر به تحصیل اشتغال دارند چنانچه به کار می‌پرداختند، آیا می‌توانستند نسبت به افرادی که در همین گروه سنی قرار دارند و فقط کار می‌کنند درآمد بیشتری کسب کنند؟ پاسخ این سوال روشن است: چرا جوانانی که به تحصیل اشتغال دارند در شرایط متعارف از توانایی بیشتری برخوردارند و در صورت اشتغال می‌توانستند درآمد بیشتری ایجاد کنند. بنابراین در محاسبه هزینه درآمدهای صرف نظر شده این نکته باید مورد توجه قرار گیرد و اهمیت بیشتری به درآمد صرف نظر شده دانشجویان داده شود. (انتظاری، محجوب، ۱۳۹۲: ۵۳)

۳. نکته مهم دیگر در مورد هزینه درآمدهای صرف نظر شده دانشجویان این است که چنانکه دانشجویان به جای تحصیل به کار اشتغال می‌داشتند، بخش اعظم درآمد ناشی از کار آنان به مصرف اختصاص می‌یافت و تنها بخش اندکی پس

¹ Oloube

انداز و سرمایه‌گذاری می‌شد. یکی از فواید مهم سرمایه‌گذاری در تحصیلات دانشگاهی، چه برای فرد و چه برای جامعه آن است که با ثبت نام در آموزش عالی، جوانان عملاً از میزان مصرف خود کاسته و نوعی پس‌انداز اجباری انجام می‌دهند. به این ترتیب با راه یافتن به دانشگاه جوانان بر حجم سرمایه (انسانی) فردی و اجتماعی خواهند افزود. بنابراین می‌توان اظهار داشت که ثبت نام در دانشگاه نوعی پس‌انداز است و مثل هر نوع پس‌انداز دیگری موجب افزایش حجم سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها خواهد شد. (انتظاری، محجوب، ۱۳۹۲: ۵۷)

رشد فزاینده هزینه‌های آموزش و پرورش

هزینه‌های آموزش و پرورش در کشورهای در حال توسعه با آهنگ سریعی در حال افزایش است. چنین رشدی در هزینه‌های آموزشی به علت تغییرات و تحولات عوامل گوناگون موجود در جامعه است. (کوپر^۱، ۲۰۱۶: ۵)

عوامل موثر بر رشد فزاینده هزینه‌های آموزش و پرورش:

۱. یکی از عواملی که موجب افزایش در هزینه‌های آموزش و پرورش می‌باشد در واقع رشد تقاضای جامعه برای خدمات آموزشی است. به طور کلی رشد تقاضا به صورت‌های زیر موجب افزایش هزینه‌ها می‌گردد (متوسلی، آهنچیان، ۱۳۸۶: ۳۹)
 - الف) رشد جمعیت: چنانچه هزینه نسبی دانش‌آموزان و دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیل ثابت فرض شوند از آنجا که با افزایش نرخ رشد جمعیت تعداد کودکانی که در سال‌های آینده به مدرسه راه خواهند یافت افزایش می‌یابد و مادام که موج فزاینده جمعیت جوان از دبستان به دبیرستان و از دبیرستان به دانشگاه گسترش می‌یابد تقاضا برای خدمات آموزشی بالا رفته و هزینه‌های آموزش و پرورش را در این مقاطع افزون خواهد ساخت. (گاریزمن^۲؛ ۲۰۱۶: ۲۳)
 - ب) استخدام معلم بیشتر: با افزایش تعداد دانش‌آموزان به همان نسبت باید به تربیت و استخدام معلمین جدید پرداخته شود. استفاده از معلمین بیشتر و فضای آموزشی گسترده‌تر طبیعتاً موجب افزایش هزینه‌های آموزشی خواهد شد. (گاریزمن؛ ۲۰۱۶: ۲۹)
 - ج) رشد هزینه (درآمدهای صرف نظر شده): از آنجا که رفتن به دبیرستان و دانشگاه مستلزم صرف‌نظر کردن از درآمدهایی است که به علت اشتغال به تحصیل از دست می‌رود و از آنجا که بهره‌وری نیروی کار به دلایل پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی در حال افزایش است، در صورتی که نرخ واقعی دستمزد تابعی از بهره‌وری نهائی عامل کار باشد بنابراین با ارتقا سطح بهره‌وری عامل کار و بالا رفتن سطح دستمزدها، هزینه درآمدهای صرف نظر شده دانش‌آموزان و دانشجویان افزایش می‌یابد و موجب رشد فزاینده هزینه‌های آموزشی می‌شود. (گاریزمن، ۲۰۱۶: ۳۲)

۲. بهبود کیفیت خدمات آموزشی نیز موجب افزایش هزینه‌ها می‌گردد. اگر کیفیت آموزش با کوچک‌تر شدن کلاس‌ها، تنوع در انتشار کتاب‌های درسی و امثال آن در ارتباط باشد، توجه به کیفیت خدمات آموزشی خود نیازمند هزینه‌های بیشتری خواهد بود. امروزه که به کیفیت آموزشی عنایت بیشتری می‌شود همواره شاهد افزایش هزینه‌های آموزش در جامعه هستیم. (دایموند، ۲۰۱۵: ۴۱) در این خصوص نکات زیر حائز اهمیت است:

- الف) هنوز در بسیاری از جوامع در حال توسعه به دلایل مختلف اجتماعی-اقتصادی تمامی جمعیت لازم‌التعلیم در مدرسه حضور نمی‌یابند و اصطلاحاً نرخ مشارکت گروه‌های سنی و حضور آنها در مدرسه صد درصد نیست. هر قدر مشارکت کودکان برای حضور در مدرسه بیشتر باشد (که با رشد و توسعه اقتصادی و افزایش در آمد خانوار معمولاً چنین است)، هزینه‌های آموزش و پرورش بدون در نظر گرفتن میزان رشد جمعیت افزایش خواهد یافت. (فرزیب، ۱۳۹۲: ۱۶)
- ب) آموزش بهتر زمانی ممکن و میسر می‌گردد که کیفیت معلمین بهتر، کلاس‌های درس کوچک‌تر و دانش‌آموزان هر کلاس محدودتر و ارتباط معلم با شاگرد نزدیک‌تر باشد. برای آن که نسبت دانش‌آموزان به معلم کاهش یابد باید معلمین بیشتری

¹ Cooper

² Garrizmann

استخدام شوند و فضای آموزشی گسترده‌تری فراهم گردد و این همه مستلزم قبول هزینه‌های فزاینده‌ای می‌باشد. (فرزیب، ۱۳۹۲: ۲۱)

ج) امروزه استفاده از وسایل کمک آموزشی در امر تدریس گسترش یافته و تکنولوژی آموزشی در حال تغییر و تحول روزافزون است. توسعه خدمات کتابخانه‌ای و تنوع آزمایشگاه‌ها و استفاده از وسایل سمعی و بصری و... همه در کیفیت آموزشی تاثیر بسزایی دارند و این نوع هزینه‌ها هم‌اکنون در تمامی جوامع در حال توسعه در حال افزایش می‌باشد. (فرزیب، ۱۳۹۲: ۲۷)

د) فضاهای آموزشی وسیع‌تر و ساختمان‌های مجهزتر و تاسیسات پیشرفته‌تر و استادیوم‌ها و سالن‌های ورزشی سرپوشیده و آمفی تئاترها و فضای سبز داخل موسسات آموزشی و سایر تاسیسات رفاهی که امروزه در مدارس و دانشگاهها متداول است مستلزم هزینه‌های فوق العاده سنگینی می‌باشند که هزینه‌های آموزش و پرورش را شدیداً تحت تاثیر قرار داده است. (۳۹)

۳. شناخت هرچه بیشتر هزینه‌های آموزش و چگونگی رشد آن ایجاب می‌نماید که هزینه هر دانش‌آموز و دانشجو به دقت مورد محاسبه و بررسی قرار گیرد. برای مثال بدیهی است که هزینه آموزش خواندن و نوشتن در دوره ابتدائی بسیار کمتر از هزینه آموزش دروس فیزیک، شیمی و زیست شناسی در دبیرستان‌ها و هزینه آموزش این دروس در دبیرستان‌ها بسیار کمتر از آموزش آن در دانشگاه‌ها می‌باشد. به این ترتیب محاسبه هزینه سرانه و سالانه هر دانش‌آموز و دانشجو می‌تواند در تحلیل‌های اقتصادی بسیار موثر باشد. (جیمنز، ۱۳۹۱: ۷۲)

چه کسانی باید هزینه‌های آموزشی را بپردازند؟

گروهی معتقدند که حل مساله هزینه‌های آموزشی و تعیین میزان شهریه از طریق مکانیسم بازار راه مناسبی نخواهد بود؛ زیرا آموزش یکی از عوامل بسیار مهم در تعادل بخشیدن به نابرابری‌های جامعه و یکی از راه‌های نیل به عدالت اجتماعی به شمار می‌آید. از طرفی آموزش موجب فراهم آوردن فرصت‌های مساوی بین جوانان خواهد شد. آموزش وسیله‌ای برای توسعه توانائی‌های فردی است و ابزاری برای شکوفائی استعدادها و بالندگی اجتماعی محسوب می‌گردد. از این رو جامعه باید قادر باشد تا شرایط کسب تحصیل را برای همه جوانان بدون هیچ مانعی میسر گرداند. بنابراین ایشان اظهار می‌دارند که خدمات آموزشی باید به صورت رایگان ارائه شود. (دهقانی، ۱۳۸۸: ۱۷)

امروزه سازمان‌های بین‌المللی در چارچوب «حقوق بشر» به کلیه کشورهای در حال توسعه توصیه می‌نماید که آموزش ابتدایی را به صورت رایگان اجباری نماید تا همه افراد از نعمت حداقل سواد بهره‌مند گردند. در کشورهای صنعتی و توسعه یافته به تدریج ورود به بازار کار بدون داشتن دیپلم دبیرستان ممنوع می‌شود. به این معنی که همه شهروندان یک جامعه توسعه یافته باید آموزشی در حد دیپلم داشته باشند. (آیچر، ۱۳۹۰: ۶۳) این کشورها امروزه به این نتیجه دست یافته‌اند که اداره جامعه‌ای که همه آحاد مردم آن از آموزش دبیرستانی برخوردارند بسیار ساده‌تر است و مردم در حل بسیاری از معضلات و مسائل اجتماعی با دولت همکاری و مشارکت صمیمانه و صادقانه‌ای خواهند داشت. گروه دیگری بر این باورند که چون آموزش و به ویژه آموزش عالی توانائی‌های فردی را ارتقا می‌دهد و موجب کسب درآمدهای بیشتر برای فرد و خانواده وی می‌گردد بنابراین هزینه آموزش باید برعهده خود فرد و خانواده وی باشد و دولت هیچ وظیفه‌ای در قبال آن ندارد. (لوین، ۱۳۹۵: ۸۴)

نتیجه‌گیری

اتخاذ هر تصمیمی برای دولت یا افراد هزینه‌هایی در بردارد. هزینه‌های مترتب علاوه بر پرداختی‌های مستقیم شامل منافع یا از درآمدهای از دست رفته سایر گزینه‌های سرمایه گذاری که از آن صرف شده است می‌باشد. مخارج عمومی آموزشی غالباً از محل بودجه دولت تامین می‌شود. از اقتصاد آموزش و پرورش دو نوع برداشت وجود دارد برداشت اول این است که اقتصاد آموزش و پرورش به معنای نظام مالی این نهاد بوده و اعتبارات آموزش و پرورش و هزینه‌های آن در کنار هم اقتصاد آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهند و به تعبیری معنای مالی آموزش و پرورش همراه با هزینه است.

برداشت دوم به معنای آن است که اقتصاد آموزش و پرورش کلیه فعالیت‌های اقتصادی است که در حول آموزش و پرورش شکل می‌گیرد و علاوه برآنکه به تامین منابع آموزش و پرورش و تخصیص و توزیع امکانات آموزشی و پرورشی اطلاق می‌شود به جریان اقتصادی که در حول آموزش و پرورش شکل می‌گیرد و به تعبیری یک نظام مالی را در پیرامون آموزش و پرورش ایجاد میکند اطلاق می‌شود؛ مانند هزینه‌هایی که خانواده‌ها در آموزش و پرورش تخصیص می‌دهند.

عرضه آموزش بستگی به استراتژی توسعه دارد. این امر به ویژه در کشورهای در حال توسعه مصداق دارد. استراتژی توسعه تعیین می‌کند که چه مقدار از مکان و ظرفیت آموزشی فراهم گردد، چه نوع آموزشی ترویج شود، چه کسی به مکانهای آموزشی راه یابد و چه سطوح تحصیلی مورد عنایت قرار گیرند. لذا، عرضه آموزشی راه، باید با معیارهای دیگری که غالباً اقتصادی هم نیستند، سنجید. بدین ترتیب، نخست استراتژی توسعه برگزیده می‌شود و سپس به طور اقتصادی در مورد آموزش بحث می‌گردد؛ بنابراین، اگر با هر نوع معیاری - اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، استراتژی توسعه صنعتی را از طریق استراتژیهای توسعه صادرات و یا جایگزین واردات برگزینیم، به سطوحی خاص از آموزش توجه بیشتری معطوف می‌گردد تا اینکه استراتژی توسعه خودمحور، انتخاب شود. ممکن است، این برنامه توسعه به آموزش عالی توجه زیادی نکند. در کشورهایی که سیاستهای خصوصی سازی اقتصادی در آنها اجرا می‌گردد، تخصیص هزینه‌های دولت در زمینه آموزش فنی و حرفه‌ای، کاهش می‌یابد، زیرا که بخشهای مختلف صنایع که اینک در مالکیت خصوصی است، هزینه آموزش نیروی انسانی خود را متقبل می‌شوند.

منابع

۴. انتظاری، یعقوب. (۱۳۹۰). ارائه الگویی برای تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی دولتی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. ۳۶-۱۷.۶۰
۵. انتظاری، یعقوب. محبوب، محسن. (۱۳۹۲). انتخاب سازوکار و روش مناسب برای تخصیص منابع عمومی به آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. ۶۹-۴۹.۶۸
۶. انصاری، عبدالله. (۱۳۸۹). بررسی نقش دولت در تأمین منابع مالی آموزش و پرورش ایران. فصلنامه تعلیم و تربیت. ۵۸-۳۱.۱۰۴
۷. آیچر، ثارو. (۱۳۹۰). مخارج آموزشی در سطح بین‌المللی. ترجمه غلامرضا گرای نژاد. دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش. جلد اول. تهران. پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۸. جمشیدی. عطاءالله. (۱۳۹۳). سازوکارهای استدلال تخصیص اعتبار در نظام آموزشی ایران و جهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شاهرود. دانشگاه آزاد اسلامی
۹. جیمنز، ای. (۱۳۹۱). تأمین مالی آموزش و پرورش دولتی. ترجمه عبدالله انصاری. دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش. جلد اول. تألیف عبدالحسین نفیسی. تهران. پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۱۰. دهقانی، علی - رحیمی علیرضا، محمدی داوود. (۱۳۸۸). اقتصاد آموزش و پرورش. تهران. انتشارات آبیژ.
۱۱. رضایی، طاهر. (۱۳۹۴). بررسی مبانی و منابع اعتباری سازه‌های آموزشی در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تبریز. دانشگاه سهند
۱۲. سازمان برنامه و بودجه کشور. (۱۳۹۵). قوانین بودجه سنواتی کل کشور.
۱۳. علوی‌نیا، حجت. (۱۳۹۵). شاخص‌های مالی آموزش و پرورش. سمینار کارشناسی ارشد. مشهد. دانشگاه پیام نور.
۱۴. فرزیب، علیرضا. (۱۳۹۲). نظام نوین بودجه‌ریزی در ایرات. تهران. شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
۱۵. فروهر، مجید. (۱۳۹۰). رهیافت‌های بودجه‌ای آموزش و پرورش. انتشارات وزارت آموزش و پرورش. تهران. دفتر مطالعات و پژوهش.

۱۶. قادری، فاطمه. (۱۳۹۳). اقتصاد پویای آموزشی. تهران. نشر ناقوس اندیشه.
۱۷. کومز، فیلیپ هال. (۱۳۹۴). بحران جهانی تعلیم و تربیت. ترجمه حسن صفاری، کوکب صفاری. بازنشر شده توسط کمیته ملی یونسکو در تهران
۱۸. لوین. هیوم (۱۳۹۵). منابع مالی آموزش و پرورش عمومی. ترجمه عبدالحسین نفیسی. اقتصاد آموزش و پرورش. جلد اول. تهران. پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۱۹. متوسلی، محمود - آهنگیان، محمد رضا. (۱۳۸۶). اقتصاد آموزش و پرورش، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. محمد نژاد، یوسف، روشن، احمد رضا. (۱۳۸۷). گزارش ملی آموزش عالی، تهران. موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۲۱. نادری، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). سازوکار و الگوی مطلوب تخصیص منابع مالی برای آموزش و پرورش: مبانی الزامات و عنار. فصلنامه تعلیم و تربیت. ۲۹-۹-۵۹.
۲۲. نورنائینی، محمدسعید. (۱۳۹۳). بررسی اقتصادی شهریه در آموزش و پرورش. ویراست سوم. تهران. نشر اندیشه
۲۳. وزیریان، سیروس. (۱۳۸۲). مفاهیم و اصطلاحات بودجه ریزی. تهران. انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۲۴. هاشمی، معصومه. (۱۳۹۲). ادبیات مالی آموزش و پرورش. تهران. نشر راه دانش

25. Cooper, R., & Zhu, G. (2016). Household finance over the life-cycle: What does education contribute?. *Review of Economic Dynamics*, 20, 63-89.
26. Diamond, I. (2015). The Review of Higher Education Funding and Student Finance Arrangements in Wales.
27. Diamond, I. (2016). The Review of Higher Education Funding and Student Finance Arrangements in Wales.
28. Garritzmann, J. L. (2016). *The Political Economy of Higher Education Finance: The Politics of Tuition Fees and Subsidies in OECD Countries, 1945–2015*. Springer.
29. Johnstone, D. B. (2014). Higher Education Finance Accessibility: tuition Fees and student loans in sub-saharan Africa. *Journal of Higher Education in Africa*, 2 (2), 11-36.
30. Ololube, N. P. (2016). Education Fund Misappropriation and Mismanagement and the Provision of Quality Higher Education in Nigeria. *International Journal of Scientific Research in Education*, 9(4), 333-349.
31. Todea, Nicolae & Tilea, Donia Maria (2016). Comparative Analysis between the Models for Education in Romania and the United Kingdom. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, (15), 717- 721.

Explaining the Education and Training Costs

Zahra Lebady¹, Aboufazel Safieepour²

1. Faculty member in Department of Educational management, Faculty of Education, Islamic Azad University of Karaj, Karaj, Iran
(Corresponding Author)
2. PhD Student in Department of Educational management, college of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Abstract

Basically, starting and completing actions leads to costs; and this is inevitable, which is will be variable according to the general dimensions of the level of costs as well as he variety of components and methods of allocating resources and generally investments in order to better take the desired action. This subject can be generalized to a big entity in the country called "education". According to their essence and potential, Iran's education system and higher education both possess various dimensions connected to the style of providing credit and cost patterns; and relatively, education systems exposed to political atmospheres in the country can lead to cost resources and numerous methods of consuming the resources. Hence, the subject of education costs is one of the most important issues which we can refer to in the field of education in every society, because social growth, economic investment for training work forces in the next generation, and so forth are subject to the costs of today's resources in the education system. The more open the outlook of policy makers in providing costs patterns in the education system, the bigger and more capable the output of investments. Hence, the present paper aims to examine the indexes and components of educational costs in Iran's education system in order to reach a more sensible approach.

Keywords: Cost, Economy, Education, Education Costs, Investment
